

ایینه پژوهش

سال سی و چهارم، شماره ششم
بهار و اسفند ۱۴۰۲
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۰۴

۲۰۴

دوماهنامه
ایینه پژوهش

سال سی و چهارم، شماره ششم
بهار و اسفند ۱۴۰۲

Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.34, No.6 Feb - Mar 2024

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

204

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture

- نسخه‌شناسی مصاحف قرآنی (۱۸) | چاپ نوشت (۱۱) ماقبل باستان |
نویشتگان (۵) | نسخه‌خوانی (۳۷) | نه غزل از خسروی هروی شاعر قرن نهم ق
| درباره فرهنگ و زبان قوم لک (۲) | الهیات تفویض و تأثیر آن بر اندیشه فقهی |
طومار (۳) | نگرشی بر نگارش‌های کلامی (۱۱) | بررسی اشعار انوری در جنگ
یحیی توفیق و معرفی شش بیت نویافته او | نقد و بررسی برخی از ابهام‌های
جلد اول کتاب تاریخ جهانگشای جوینی | موقعیت شیخ صدوق و کتاب
اعتقادات او در دوره صفوی | عهد کتاب (۳) | نگاهی دوباره به ترجمه قرآن
حجت الاسلام کوشا و دو دفاعیه آن | نکته، حاشیه، یادداشت
- بررسی یک مسئله فقهی: ازدواج متعه
● فهرست مقاله‌های فارسی درباره
دائرة المعارف و دائرة المعارف نویسی
- مرتضی کریمی‌نیا | محمد حبیبی
مهرداد بیگلری | رسول جعفریان
سیدعلی میرافشاری | محمد رضا
همزادی | علیرضا خزایی | حسین
ملازیمی | محمدعلی محمدزاده
علی‌رضا | محمدعلی محمدزاده
حیدری | جمال انصاری | نوری | حسین
حسینی | علی‌رضا | سیدعلی میرافشاری
محمدتقی احمدی | سیدعلی میرافشاری
حسین خزایی | سیدعلی میرافشاری

پرتال
دوماهنامه
ایینه پژوهش



Jap.isca.ac.ir

طومار (۳)

علی راد

| ۱۱۵۳-۱۶۱ |

تصحیح احادیث مقلوبه به مثابه آزمون درک شاکش نفی و اثبات

Tūmār

The Issue of Correcting the Hadiths Inverted as a Way of Examination

Ali Rad (Associate Professor at the University of Tehran)

Abstract: The term «Qalb» refers to the deliberate inversion of a portion of the *Isnād* or content of a hadith in various forms, which has been a significant focus of scholars in the field of hadith criticism. Hadiths mixed with inversion are not reliable for citation, as intentional inversion of a hadith can lead to the weakening of the narrator and is known as one of the reasons for abandoning such narrations. One of the challenges of inverted hadiths is the issue of exceptions, as using inverted hadiths serves as a method for testing the reliability of narrators and jurists. This article critically examines and evaluates this important aspect in the history of Muslim hadiths.

Keywords: Inverted Hadiths, Correction of Hadiths, Testing of Jurists.

قلب به معنای وارونه کردن بخشی از سند یا متن حدیث با گونه‌های متنوع آن از جمله اسباب ضعف همواره مورد توجه دانشوران علم نقد الحدیث بوده است. احادیث آمیخته به قلب شایسته استناد نیستند و قلب عمدی حدیث، سبب تضعیف راوی و از عوامل ترک احادیث او دانسته شده است. از جمله چالش‌های قلب حدیث، مسئله مستثنیات آن همچون بهره‌وری از قلب حدیث به مثابه شیوه‌ای برای اختبار محدثان و فقیهان است. این مقاله به نقد و ارزیابی این مهم در تاریخ حدیث مسلمین پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: قلب حدیث، احادیث مقلوبه، اختبار فقیه.

اشاره

حدیث مقلوب (سهوی) از اقسام حدیث ضعیف است و به دلیل وارونه شدن و جابجایی بخشی از سند یا متن حدیث با بخش‌های دیگری از همان حدیث، به آن حدیث مقلوب گویند. حدیث مقلوب با توجه به تنوع مقسم به اقسام سندی - متنی و سهوی - عمدی تقسیم پذیر است (علی اکبر غفاری، دراسات فی علم الدراية، ص ۷۱؛ أبو الفضل حافظیان البابلی (إعداد)، رسائل فی درایة الحدیث، ج ۱، ص ۲۰۴-۲۰۵) و گونه‌هایی چون اغراب، اعلال، عکس، ترکیب و ابدال را دربر دارد. قلب عمدی سند و متن حدیث، حرام است مگر اینکه از روی وهم راوی باشد (ابن حجر، فتح الباری، ج ۲، ص ۱۲۳)؛ زیرا مستلزم دروغ راوی و سبب سقوط او از عدالت است (حسین بن عبدالصمد عاملی، وصول الأخبار إلى أصول الأخبار، ج ۱، ص ۱۱۳)؛ از این رو فقیهان امامیه حدیث مقلوب سهوی را شایسته استناد ندانسته‌اند (محمد حسن بنجوردی، القواعد الفقہیة، ج ۶، ص ۴۰۳) و محققان عامه نیز تلاش برای توجیه حدیث مقلوب را تکلف خوانده‌اند (ابن حجر، فتح الباری، ج ۲، ص ۱۲۳).

با توجه به حکم حرمت قلب حدیث، هرگونه اقدام مستقیم یا مشارکت در اصل قلب حدیث به شیوه‌های مختلف آن حرام است. در عقاب اخروی قلب عمدی حدیث، تردیدی وجود ندارد؛ زیرا از مصادیق تنقیص سنت و به‌سخره گرفتن حدیث است که با توجه به جایگاه قدسی و وحیانی سنت در اندیشه اسلامی و حدیث به مثابه ترجمان آن در حرمت این عمل تردیدی وجود ندارد و در صورت اقتدار و آگاهی مؤمنان بایستی از وقوع و اشاعه آن جلوگیری نمایند.

نمونه‌های اندکی از گونه مقلوب سهوی که برابند خطا یا وهم راوی یا ناسخ است، در احادیث شیعه (سید محمد باقر میرداماد، الرواشح السماویة فی شرح الاحادیث الامامیه، ص ۱۹۲؛ سید علی بروجردی، طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال، ج ۲، ص ۲۵۴) و شماری در احادیث فقهی و کلامی اهل سنت (عبدالله جرجانی، الکامل، ج ۳، ص ۲۱۶؛ عثمان بن عبدالرحمن شهرزوری، مقدمة ابن الصلاح، ص ۸۲؛ ابن حجر عسقلانی، الدراية فی تخریج أحادیث الهدایة، ج ۲، ص ۴۹؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۲، ص ۱۲۳) گزارش شده است.

برخی از محققان امامیه، نقش و کارکرد احادیث مقلوب کلامی اهل سنت در فضیلت‌سازی برای صحابه را اثبات کرده‌اند و با زتاب آن را در احادیث صحیحین مسلم و بخاری نشان داده‌اند (بنگرید: سید علی میلانی، الاحادیث المقلوبة فی مناقب الصحابة، سراسرائثر). تک‌نگاری‌های نیز برای بررسی احادیث مقلوب سندی و متنی توسط محققان شیعه و اهل سنت تألیف شده است (سید حسین بروجردی، الاحادیث المقلوبة وجواباتها؛ خطیب بغدادی، رفع الارتیاب فی المقلوب من الاسماء والالقب) که از اهمیت این مسئله و پالایش میراث حدیثی از آسیب قلب در احادیث حکایت دارد.

بطلان مستثنیات حرمت قلب حدیث

ادعای خروج ترغیب به حدیث و اعتبار محدّثان از شمول حرمت قلب حدیث (محمد بن عبدالرحمن سخاوی، فتح المغیث، ج ۱، ص ۳۳۵) به دلایل ذیل باطل است:

الف) قلب حدیث به منظور ترغیب مردم و شهرت یافتن آن، مصداق تمسک به مقدمه حرام برای حصول امر مباح است و حرمت این عمل آشکار است.

ب) آزمون مشایخ حدیث از طریق تصحیح احادیث مقلوبه به مثابه یک رویه و عرف علمی فاقد پیشینه و تبار تاریخی است؛ همچنین نزد اصحاب حدیث از شهرت برخوردار نیست و در مدارس حدیثی مکه، مدینه، کوفه، شام، مصر، ری و... نمونه‌هایی برای اثبات شیوع و رواج آن وجود ندارد. روی‌گردانی و اجتناب مشایخ حدیثی جهان اسلام از این آزمون بر ممنوعیت شرعی آن دلالت دارد.

ج) بر فرض اعتبار مستندات تاریخی آزمون احادیث مقلوبه از محدّثان نامدار، استناد به این نمونه‌های نادر و مشکوک برای توجیه استثنای آن از حکم حرمت، تکلفی بیش نیست و نمی‌تواند به مثابه دلیل شرعی برای تخصیص حرمت قلب حدیث مورد استناد قرار بگیرد و احتمال ضرورت اضطراری نیز بر فرض محال نمی‌تواند مخصص یا مقتید حرمت قلب حدیث را قید بزند.

د) اعتبار حفظ محدّثان فقط در آزمون احادیث مقلوبه منحصر نیست و می‌توان از شیوه‌های دیگری نیز بدون قلب حدیث از آن آگاهی یافت. در فرض لزوم و ضرورت اعتبار، شیوه‌های جایز و مباح دیگری نیز متصور است که مستلزم حرمت قلب حدیث نیستند؛ از این رو در تاریخ حدیث امامیه چنین آزمونی پیشینه ندارد.

متروک بودن رویه آزمون قلب حدیث در تاریخ حدیث

قلب حدیث، رویه‌ای ناشناخته و شیوه‌ای متروک در تمامی مدارس حدیثی از جریان‌های مختلف حدیث‌گراست. به دلیل حرمت عمل قلب حدیث و نقش آن در به‌سخره‌گرفتن جایگاه حدیث و تضعیف عقاید عوام مردم، این عمل به مثابه یک رویه برای آزمون و اعتبار میان اهل حدیث شناخته نشد. بررسی تاریخی رویه‌های جاری میان محدّثان سه قرن نخست هجری نیز نشان می‌دهد این رویه میان صحابه و تابعین نیز ناشناخته است و حتی جریان حدیث ستیزان اهل رأی یا جریان‌های وابسته به قدرت و سیاست اموی و عباسی نیز از این شیوه برای اعتبار یا تضعیف عقاید مردم استفاده نکردند؛ زیرا پیامدهای اجتماعی منفی به دنبال داشت و در نگاه اهل حدیث و مؤمنان به مثابه ستیز با سنت و محاربه با حدیث بود و مشروعیت نهاد خلافت و دستگاه حکومت را با چالش جدی مواجه می‌کرد؛ از این رو همواره محدّثانی که از روی عمد به قلب در سند احادیث

می‌پرداختند و از این طریق تدلیس می‌کردند، در کتاب‌های جرح و تعدیل راویان، شخصیت حدیثی ایشان تضعیف و احادیث آنها متروک است.

منتقدان میراث حدیثی همواره به رخنه قلب به مثابه ابزاری برای وضع و کذب در احادیث و تدلیس در مشایخ اهتمام جدی داشتند و آسیب آن را هم تراز با اشاعه کذب در احادیث برشمرده‌اند. در بیان دلیل ترک احادیث ابوبشر مروزی فقیه (۳۲۳ ق) چنین آمده است:

«كان ممن يضع المتون، ويقلب الأسانيد، فاستحق الترك، فلعلة قد قلب على الثقات أكثر من عشرة آلاف حديث، كتبت أنا منها أكثر من ثلاثة آلاف حديث، لم أشك أنه قلبها» (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۱۳۹).

در منابع رجالی عامه، راویان فراوانی به دلیل قلب در سند در شمار ضعفا و متروکین قرار گرفته‌اند (یحیی بن معین دوری، تاریخ ابن معین، ج ۱، ص ۳۱۴؛ بخاری، تاریخ الصغیر، ج ۲، ص ۱۶۰؛ بخاری، تاریخ الکبیر، ج ۱، ص ۱۶۲ و ج ۶، ص ۱۱۹-۱۲۰؛ عقیلی، ضعفاء العقیلی، ج ۲، ص ۵۲-۵۳، ج ۳، ص ۴۶۲؛ ابن‌ابی حاتم رازی، الجرح والتعدیل، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۵۲، ج ۲، ص ۳۳۲، ج ۵، ص ۲۵۱، ج ۶، ص ۳۹، ج ۷، ص ۸۶ و ۳۳۲ و ج ۸، ص ۳۸۴؛ ابن حبان، الثقات، ج ۸، ص ۵۰، ج ۹، ص ۱۴۷؛ ابن حبان، المجروحین، ج ۱، ص ۱۰۲ و ۱۴۳).

برایند کتاب‌های رجال الحدیث اهل سنت از این مهم حکایت دارد که عمل قلب حدیث از جمله اسباب جرح شدید راوی در تراز وضع و کذب در حدیث است؛ از این رو همواره محدثان جانب احتیاط را در اجتناب از این آسیب رعایت کرده‌اند؛ بنابراین برخی از محققان اهل سنت و شیعه نیز قلب در حدیث را از جمله اسباب وضع در حدیث گفته‌اند (عبدالرحمن ابن جوزی، الموضوعات، ج ۲، ص ۳۶ و ۵۶؛ عبدالحسین امینی، الموضوعات و احادیثهم، ص ۲۰۷ و ۲۱۹).

علامه امینی از محققان معاصر امامیه، شیوع آسیب قلب حدیث و همانندی آن با وضع در میراث حدیثی عامه را در فهرستی بلند گرد آورده است (عبدالحسین امینی، الموضوعات و احادیثهم، ص ۳۳۴-۳۴۵). مشاهده این فهرست از شیوع جریان قلب در حدیث اهل سنت و البته رویکرد انتقادی شدید علیه این جریان از سوی رجال‌شناسان ایشان حکایت دارد که تلاش نمودند به پیرایش و پالایش احادیث مقلوب و طرد عاملان و اسباب آن بپردازند.

بر پایه اصول و موازین اخلاقی شناخته شده نزد اصحاب حدیث عامه، مقلوب نمودن احادیث به منظور خرده گرفتن و آشکار کردن ضعف و عیب محدثان امری مذموم و ممنوع است؛ از این رو در انتساب قلب حدیث به شعبه بن حجاج برای اختبار راویان تردید جدی شده و گروهی آن را انکار کردند؛ زیرا سبب می‌شود که متن مقلوب به غلط حدیث تلقی گردد و نزد ناآشنایان به اصول و مبانی حدیثی به مثابه حدیث صحیح دانسته شود؛ بنابراین از باب مقدمه حرام، حرمت به خود

عمل قلب حدیث برای اختبار و آزمون نیز تسری می‌یابد:

«وقد أنكر بعضهم على شعبة ذلك لما يترتب عليه من تغليب من يمتحنه فقد يستمر على روايته لظنه أنه صواب وقد يسمعه من لا خبرة له فيرويه ظناً منه أنه صواب» (ابن حجر، النكت على كتاب ابن الصلاح، ص ۳۷۲).

نمونه دیگری در اختبار محمد بن عجلان از سوی سه نفر از محدثان کوفه شاهد هستیم. در این اختبار شرم آور که بدون آگاهی و اطلاع ابن عجلان صورت پذیرفت، ابن عجلان پس از تصحیح احادیث مقلوب، سه محدث کوفی را به دلیل قلب احادیث نفرین نمود و گفته‌اند که هر سه به نفرین او گرفتار آمدند (ابن حجر، النکت علی کتاب ابن الصلاح، ص ۳۷۳ - ۳۷۴).

این واقعه از حرمت عمل قلب حدیث در مدرسه حدیثی کوفه و رویکرد انسدادی محدثان عراق نیز به این عمل حکایت دارد. در مدارس حدیثی دیگر چون بصره، ری، مکه و مدینه، شام، مصر و یمن و حتی خود بغداد نیز ردپایی از آزمون قلب حدیث محدثان و حفظ نامدار به دست نیامد؛ با توجه به این نکته در این مدارس نیز حفظ حدیث بسیار سرآمدی حضور داشتند و اگر آزمون از طریق قلب حدیث جایز و روا بود، به احتمال قوی نمونه‌هایی از آن در این مدارس گزارش می‌شد، شهرت می‌یافت و در کتاب‌های تراجم و رجال الحدیث گزارش می‌شد.

درباره چرایی و فرایند تدوین کتاب الاحادیث المقلوبه و جوابات‌ها چنین آمده است که آیت‌الله سید صادق بحر العلوم (۱۳۱۵ - ۱۳۹۹ ق) و شماری از فقیهان حوزه نجف پس از مرگ آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی به منظور تشخیص اعلم فقیهان معاصر شیعه برای تصدی مقام مرجعیت تعداد ده حدیث را دچار قلب در سند و متن نمودند و برای اختباری به برخی از فقیهان در مظان مرجعیت از جمله آقایان بروجردی و حجت کوه‌کمری - و احتمالاً اشخاص دیگری - ارسال داشتند. آیت‌الله بروجردی با مشاهده رساله حاوی احادیث مقلوبه در کمترین زمان ممکن به تصحیح اسناد و متن این احادیث پرداختند. ارسال‌کنندگان رساله از پاسخ سریع و تبحر ایشان در تشخیص طبقات راویان دچار بهت و حیرت شدند و به اعلمیت آقای بروجردی اذعان نمودند و این چنین مرجعیت ایشان در حوزه نجف نیز مقبول واقع گردید (محمدرضا جلالی، المنهج الرجالی والعمل الرائد في الموسوعة الرجالية لسيد البروجردي، مكتب الإعلام الإسلامي، قم، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۴۹).

هیچ تردیدی در تبحر آیت‌الله العظمی بروجردی (ره) در دانش رجال و تسلط ایشان بر فقه امامیه نیست؛ نبوغ ویژه، اجازات اجتهاد و روایت، آثار گرانسنگ فقهی - اصولی، کتاب‌های فاخر حدیثی - رجالی، دیدگاه‌های بدیع در فقه و اصول و حدیث، پرورش شاگردان برجسته و سرآمد، همگی برواجت ایشان بر مقام مرجعیت و فقهیت دلالتی آشکار دارند و به حق شایسته عنوان شکوه

مرجعیت شیعی در روزگار خود بودند؛ اما اساساً مسئله این یادداشت، پرداختن به این مهم نیست و در جای خود پژوهشگران بدان پرداخته‌اند. اما مسئله مهم، بحث و گفتگو، نقد و نظر، تحقیق و تفحص در اصالت و اعتبار شیوه احراز علمیت ایشان از سوی فقیهان نجف و زوایی امتداد آن به مثابه یک رویه برای اختبار فقیهان اعلم امامیه در آینده است؛ به بیان دیگر مسئله این است که آیا می‌توان از اختبار آیت‌الله سید صادق بحر العلوم و برخی از فقیهان نجف از آیت‌الله العظمی بروجردی (ره) از طریق تصحیح احادیث مقلوبه به مثابه یک روش و آیین در تشخیص علمیت فقیه در گفتمان نخبگان فقه و حدیث امامی یاد کرد یا خیر؟

به نظر می‌رسد استناد به رویه برخی از فقیهان نجف مذکور در کتاب الاحادیث المقلوبه و جوابات‌ها برای مشروعیت آیین اختبار فقیه اعلم از طریق تصحیح احادیث مقلوبه، با چالش‌های مبنایی و تاریخی ذیل روبروست و نباید آن را به مثابه شیوه و رویه‌ای فراگیر در تاریخ فقه و حدیث امامیه به شمار آورد:

یک: آیین اختبار احادیث مقلوبه میان محدثان و فقیهان امامیه از گذشته تا معاصر شناخته شده نیست.

دو: برابری اعتبار احادیث مقلوبه نیز الزاماً بیان‌کننده تخصص و تبحر فرد در فقه و اصول و شایستگی برای مرجعیت و تقلید نیست؛ زیرا فقه و حدیث قلمرو کاملاً متفاوت از یکدیگر هستند؛ از این رو الزاماً حفاظ برجسته حدیث، فقیهان سرآمد و شایسته تقلید در تاریخ فقه نبودند.

سه: رویه قلب احادیث به منظور اختبار حفاظ حدیث رویه‌ای بسیار نادر میان برخی از جریان‌های حدیثی عامه است و رویه‌ای فراگیر و شناخته شده نیست و مرجعیت و امامت فقیهان نامدار شیعه و اهل سنت از این طریق احراز نشده است.

چهار: دلایل تاریخی جواز قلب احادیث برای اختبار حفاظ حدیث در منابع عامه مخدوش است که پیش‌تر بدان اشاره کردیم.

پنج: با توجه به اصل حرمت قلب حدیث و مخدوش بودن مستثنیات آن، به یقین آیت‌الله بروجردی از روی عمد و اراده و به هدف اعلام تبحر و تخصص خود در فقه، به بیان اشکال در طبقات راویان احادیث مقلوبه ارسال شده از سوی فقیهان نجف پاسخ ندادند و پاسخ آیت‌الله بروجردی بیان‌کننده نظر صریح ایشان در جواز قلب حدیث برای اختبار فقیه اعلم نیست.

شاهد اینکه آیت‌الله حجت کوه‌کمری (ره) در حضور آیت‌الله بروجردی (ره) در پاسخ به ارسال کنندگان نامه از نجف چنین فرمودند: «ولی من گفتم اول ببرید این را اصلاح کنید، وقتی اصلاح کردید، بیاورید جواب را بنویسم [و خطاب به آقای بروجردی این جمله را دوباره فرمودند: اینها واقعا ما را

چه اندازه بی پایه حساب می‌کنند» (صفحه‌ی خاطراتی از اساتید در تارنمای: [www. http://alemola-na.ir/](http://www.alemola-na.ir/); بازبایی در مورخه: ۱۲/۰۹/۱۴۰۲؛ محمد الوانسان، «آیت‌الله العظمی حجت کوه‌کمری: فقیه مخلص»، ص ۳۰۲) و آیت‌الله بروجردی با سکوت خود پاسخ ایشان را تأیید کردند.

شاهد دیگر این‌که از پاسخ آیت‌الله بروجردی به آیت‌الله حجت کوه‌کمری نیز این نکته استنباط شدنی است که ایشان از اختبار خود از سوی فقیهان نجف از طریق قلب احادیث آگاهی نداشتند؛ بنابراین مرقوم فرمودند با توجه به اختلاف طبقات راویان از یکدیگر، نقل آنها از همدیگر ممکن نیست و به همین مقدار بسنده کردند. روشن نیست ایشان به تصحیح اسناد نیز پرداخته باشند و از ورود جدی به این چالش به مثابه آزمون و اختبار اجتناب ورزیدند؛ زیرا خود آگاه بودند اساساً اختبار فقیه اعلم از این طریق، روش دقیق و استواری برای کشف اعلمیت فقیه اعلم نیست؛ ولی از باب ارشاد و لزوم پاسخ به پرسش نکاتی را مرقوم فرمودند.

شش: اعلمیت و تبحر فقیه اعلم با نه حدیث مقلوب، احراز شدنی نیست.

هفت: در اشتها و اعلمیت آیت‌الله العظمی بروجردی برای مقام مرجعیت به آزمون احادیث مقلوب فقیهان نجف از ایشان استدلال یا استناد نشده است و اصل قصه و مستندات آن با تحقیق و انتشار این نسخه در سال ۱۴۱۶ قمری به مناسبت سی و پنجمین سال درگذشت آیت‌الله بروجردی مطرح شد.

در ضمن نسخه اولیه این رساله به زبان فارسی بود که پژوهشگر ارجمند جناب استاد محمدرضا جلالی آن را به عربی ترجمه و منتشر کردند و ظاهراً ایشان تنها شخصی است که این موضوع را از استادش آیت‌الله سید صادق بحر العلوم شنیده است و همین خبر سبب شد روش شناسی رجالی آیت‌الله بروجردی را در موسوعه رجالیه ایشان بررسی کند و در اثری منتشر نماید (محمدرضا جلالی، المنهج الرجالی والعمل الرائد في الموسوعة الرجالية لسيد البروجردی، ص ۹-۱۰).

هشت: روشن نیست آیا اصل نسخه‌ی کتاب الاحادیث المقلوبه و جوابات‌ها به تأیید آیت‌الله بروجردی رسیده است یا خیر؟ آیا ایشان با انتشار آن موافق بودند یا خیر؟ آیا می‌توان این اثر را از تألیفات قلمی آیت‌الله بروجردی به شمار آورد یا حضرت ایشان با توجه مقتضیات مقام پاسخ به پرسش و فتوا نکاتی را بیان کرده‌اند؟ آیا از این اثر می‌توان موافقت آیت‌الله بروجردی را با قلب حدیث برای اختبار فقیه اعلم را استنباط کرد؟ به نظر می‌رسد اختبار فقیه از طریق تصحیح احادیث مقلوبه، آیینی متروک در فقه و حدیث امامیه است و اقدام برخی از فقیهان نجف را بایستی به مثابه استثنای از اصل و رویه رایج در تاریخچه فقه و حدیث امامیه ارزیابی کرد.

کتاب نامه

- ابن جوزی، عبدالرحمن؛ الموضوعات؛
ابن حبان، محمد؛ الثقات؛
ابن حبان، محمد؛ المجروحین؛
امینی، عبدالحسین؛ الموضوعون وأحاديثهم؛ تحقیق، إعداد وتقدير: السيدرامی یوزبکی؛ قم: مركز الغدير للدراسات
الإسلامية، ۱۴۲۰ ق.
بجنوردی، محمدحسن؛ القواعد الفقهية؛ قم: الهادي، ۱۴۱۹ ق.
بخاری، محمد بن اسماعیل؛ التاريخ الصغير؛
بخاری، محمد بن اسماعیل؛ التاريخ الكبير؛
برجودي، سيدعلی؛ طرائف المقال في معرفة طبقات الرجال؛ قم: مكتبة آيت الله العظمى المرعشي، ۱۴۱۰ ق.
جرجانی، عبدالله؛ الكامل؛
جلالی، محمدرضا؛ المنهج الرجالي والعمل الرائد في الموسوعة الرجالية لسيد البروجردی؛ قم: مكتب الإعلام
الإسلامي، ۱۳۷۸ ش.
حافظیان الباهلی، أبو الفضل (إعداد)؛ رسائل في دراية الحديث؛
دوری، یحیی بن معین؛ تاریخ ابن معین؛
ذهبی، شمس الدین ابوعبدالله؛ سير أعلام النبلاء؛
رازی، ابن أبي حاتم؛ الجرح والتعديل؛
شهرزوری، عثمان بن عبدالرحمن؛ مقدمة ابن الصلاح؛
عاملی، حسین بن عبدالصمد؛ وصول الأخبار إلى أصول الاخبار؛ قم: مجمع الذخائر الإسلامية، ۱۴۰۱ ق.
عسقلانی، ابن حجر؛ فتح الباری؛
عسقلانی، ابن حجر؛ الدرابة في تخريج أحاديث الهداية؛ بيروت: دار المعرفة، [بی تا].
عسقلانی، ابن حجر؛ النکت علی کتاب ابن الصلاح؛
عقيلي، ابوجعفر محمد بن عمرو؛ ضعفاء العقيلي؛
غفاری، علی اکبر؛ دراسات في علم الدرابة؛ تهران: جامعة الإمام الصادق (ع)، ۱۳۶۹ ش.
ميرداماد، سيدمحمدباقر؛ الرواشح السماوية في شرح الاحاديث الامامية؛
ميلانی، سيدعلی؛ الاحاديث المقلوبة في مناقب الصحابة؛ قم: مركز الحقائق الإسلامية، ۱۴۳۰ ق.
الوانساز، محمد؛ «آيت الله العظمى حجت كوه كمرى: فقيه مخلص»؛ نشریه مبلغان، ش ۱۴۳، ۱۳۹۰ ش.